

## سوریه از چشم شاهد عینی

<http://anna-news.info/node/9384>

۷ جدی ۱۳۹۱

### درآمد:

حکایت ما و مدافعان و هواداران دمکراسی و حقوق بشر امپریالیستی، بی شباهت به حکایت یک فیلم کارتونی (انیمیشن) نیست که در آن، دختر بچه ای سعی می کند به یک گربه سخن گفتن بیاموزد. در این فیلم، دخترک تصاویر اشیاء مختلف را در جلو چشم گربه قرار می دهد و هر بار از گربه می خواهد همراه او نام آن شئی را تکرار کند. اما واکنش گربه از پیش معلوم است: «میو»!

.....

هر قدر گفته شد که این چه دمکراسی بود که غربی ها بر ویرانه های بجا مانده اتحاد شوروی تحمیل کردند، پاسخ شنیدیم: «دمکراسی»، «حقوق بشر»!

گفتیم باشد. اتحاد شوروی به جهنم. این کشور دیگر نیست. آن را از نقشه سیاسی جهان پاک کرده اند. ما علت خصومت شما با این کشور بر باد رفته را می فهمیم. دشمنی شما با آن بر سر مالکیت اجتماعی بر زمین و ابزار تولید و لغو استثمار انسان از انسان بود. اما حالا سؤال می شود که این چه «دمکراسی» و «حقوق بشر» بود که امپریالیسم غرب بحساب قتل عام میلیونی مردم و ویرانی زیر ساختها، به افغانستان، عراق، سومالی، لیبی، یوگسلاوی مثله شده و بسیار کشورهای دیگر به ارمغان آورد، پاسخ ما باز هم «دمکراسی»، «حقوق بشر» بود.

وقتی که در باره هزاران فقره اسناد و مدارک منتشره پیرامون چاپ بی حساب و کتاب دلار و محل مصرف آنها پرسیده می شود و نشان داده می شود که چگونه صرف تشکیل، آموزش و تسلیح سازمانها و گروههای تروریستی می شود، هزینه های نجومی اشغال و

ویرانی کشورها را تأمین می کند، اقتصاد جهان را به ورشکستگی می کشاند، فقر، گرسنگی، بیکاری و هزاران مشکلات اجتماعی- اقتصادی در پی می آورد، جواب همان «میو» معمول است: «دمکراسی»، «حقوق بشر»!

هنگامی که به این موضوع اشاره می شود که اگر «بانکسترهای» صهیونیست آمریکا با هدف امتناع از استرداد اندوخته های طلای کشور دوست و متحد سنتی خود مثل آلمان به هر کاری دست می زنند، با انفجار در یک نیروگاه برق، خانه های میلیونها نفر را در تاریکی فرومی برند، همان انبار محل نگهداری طلای آلمان را در آب غرق می کنند، چرا که بدنبال توطئه چینی و بهانه سازی برای شعله ور ساختن آتش جنگ، امروز در سوریه، دیروز در افغانستان، عراق، سومالی، لیبی و... وفردا در کشورهای دیگر نباشد! همچنین، اگر صاحبان سرمایه های مالی آمریکا ذخیره های طلای آلمان را به همین راحتی «ملاخور» می کنند، چرا که «فاتحه» اندوخته ها و ثروتهای کشورهای وابسته و اشغالی را از پیش نخوانده باشند، هیچ واکنشی غیر از کلمات نخنمای «دمکراسی»، «حقوق بشر» امپریالیستی شنیده نمی شود.

هر گاه که پرسیده می شود: کو آن سلاحهای کشتار جمعی عراق؟ کو آن شواهد و اسناد «بمباران تظاهرات مسالمت آمیز مردم» توسط نیروی هوایی قذافی؟ کجاست آن عدالت دیوان کیفری بین المللی؟ سخنسرائیها و فلسفه بافی های پیرامون «دمکراسی»، «حقوق بشر» امپریالیستی گوش آدم را کر می کند.

در پاسخ این پرسش که: این چه دمکراسی است که دولتهای ماقبل تاریخ کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (اگر بتوان آنها را دولت و کشور نامید) به همراه دولت اخوان المسلمینی ترکیه و دولتهای فوق ارتجاعی غرب امپریالیستی تروریسم بین المللی را آموزش داده، تسلیح می کنند و برای جنگ علیه کشور مختلف و از جمله امروز علیه مردم سوریه می فرستند، برای مردم کشورهای مختلف دولت «قانونی» تعیین می کنند و... پاسخ جدیدی جز تکرار کلمات «دمکراسی»، «حقوق بشر» شنیده نمی شود.

با صرفنظر از بسیاری سؤالهای دیگر، فعلا این پرسش را مطرح می کنیم که آن «دمکراسی» و «حقوق بشر» مورد نظر شما چیست که به کشتار جمعی انسانها در زیر بمبارانهای قوای امپریالیستی توجه ندارد، تا ببینیم باز هم «میو» خواهیم شنید یا پاسخی درخور.

در پایان این «حکایت»، ضمن تقدیم ترجمه گزارش تیم گزارشگر «آنا نیوز» از سوریه، جا دارد این سؤال را هم در مقابل مدافعان و هواداران دمکراسی و حقوق بشر امپریالیستی مطرح کنیم که: چه فکر می کنید؟ آیا در صورت سقوط دولت قانونی سوریه بدست تروریسم بین الملل تحت امر امپریالیسم غرب، دمکراسی تحمیلی به این کشور، با دمکراسی کنونی در افغانستان، عراق لیبی، سومالی، مصر، یمن و... چه تفاوت‌هایی خواهد داشت؟ آیا حاضرید همین نسخه را برای ایران ما هم تجویز کنند؟

مترجم

\*\*\*

به تناسب موفقیت‌های ارتش سوریه در جبهه‌ها، شدت تحریکات بمنظور توجیه حمله خارجی علیه این کشور افزایش می یابد. تبلیغات پیرامون کاربرد تسلیحات شیمیایی، موضوع اصلی تحریکات تا روز امروزی بحساب می آید. فراموش نمی کنیم که بموقع خود، کولین پاول (وزیر خارجه پیشین آمریکا) در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، لوله محتوی «گرد سفیدی» را برای شروع حمله نظامی علیه عراق در دست تکان داد. اینک افسانه دیگری دایر بر استفاده ارتش سوریه از «گازهای ناشناخته» علیه تروریستها ساخته می شود. در همین حال، خود شبه نظامیان سوریه، بی هیچ شرمی، فیلم آزمایشات خود در زمینه مواد شیمیایی را در شبکه های اینترنتی انتشار می دهند. آزمایشات فعلا روی خرگوشهای انجام شده که «مبارزان راه دمکراسی» آنها را با نوعی آشغال مسموم کردند. اما چه کسی می داند که حوادث در چه سمتی پیش خواهد رفت. با این وجود، ارتش سوریه، تا کنون به اطلاعاتی دست یافته است که نشان می دهند تروریستها نوعی سم به داریا پاشیده اند.

بدین ترتیب، فعلا که رسانه های جمعی سمی تر بودن گازها را در سوریه مزمزه می کنند، فرانسه و آمریکا نیروهای زمینی خود را در مرزهای سوریه مستقر می سازند. واحدهای نظامی ویژه این کشورها در نزدیکی مرز اردن با سوریه موضع گرفته اند. سخن از حضور لژیون خارجی فرانسه، و همچنین، نیروهای ویژه «دلتا»ی آمریکا در میان است. درک این مسئله که این یگانهای ویژه در صورت وقوع هر گونه حادثه جدی در سوریه به چه عملیاتی دست خواهند زد، مشکل نیست. بخصوص اینکه واقعیت حضور پرسنل این واحدهای متجاوز از یک سال و نیم پیش در سوریه را نباید از نظر دور داشت. خوشبختانه روسیه نیز با اعزام کشتی های جنگی «آزوف» و «نیکولای فیلچنکوف» حامل یگانهای تفنگداران دریائی عملیات ویژه و یکسری ماشین و ادوات جنگی در

عرشه از بندر نوواراسیسک به بندر تارتوس در سوریه، دین خود را ادا کرد. بدین ترتیب، اگر چنانچه اتفاقی بیافتد، چیزی از دیده ها پنهان نخواهد ماند.

با اینکه سیاستمداران فعلا جزئیات ژئوپلیتیک خود را تنظیم می کنند، جنگ درسوریه کمافی السابق ادامه دارد و همه نشانه ها از پیروزیهای ارتش دولتی حکایت می کنند. در طول چند هفته اخیر نیروهای ارتش سوریه موفق شدند اردوگاه یرموک، محل اسکان آوارگان فلسطینی را از وجود باندهای مسلح کاملاً پاکسازی کرده، گروههای بزرگ تروریستی را در اطراف دمشق نابود ساخته یا محاصره نمایند و همچنین از شهر حماه که تروریستها قصد داشتند به هر قیمتی آن را به تصرف خود درآورند، دفاع کنند. تلفات شبه نظامیان در طول هفته های اخیر سر به هزاران نفر می زند و تلفات ارتش سوریه بمراتب بسیار کمتر است. بدین ترتیب، نشانه های تحول بنیادی در مناقشه سوریه بوضوح دیده می شود و خود این واقعیت هم بسیاریها را نگران کرده است. منشاء اصلی تحریکات پیرامون «سلاحهای کشتار جمعی صدام حسن» و همچنین، تجمع یگانهای ویژه برخی کشورها پیرامون مرزهای سوریه نیز همین واقعیت است.

ما در ۲۴ دسامبر بار دیگر از شهر داریا در اطراف دمشق، که طی سه هفته اخیر شاهد درگیریهای شدید بین ارتش سوریه با تروریستها بود، بازدید کردیم. همراه با واحدهای ویژه عملیاتی ارتش سوریه تا خط مقدم جبهه رفتیم. ساختمان **مدرسه ای** را به ما نشان دادند که چند ساعت قبل از دیدار ما، نیروهای دولتی تروریستها را از آنجا بیرون رانده بودند. شبه نظامیان از این **مدرسه** بعنوان بیمارستان و مرکز فرماندهی خود استفاده می کرده اند. ما داروها و تجهیزات پزشکی رها شده در کف اتاقها و همچنین دیوارنوشته های «جبهه النصره» در اتاق مختلف این مدرسه را به چشم خود دیدیم. این سازمان تروریستی، یکی از واحدهای «القاعده» در سوریه است که این محل را تصرف کرده بود. ما همچنین موفق شدیم از برخی خانه های متروکه در **داریا** بازدید کنیم. کاملاً معلوم بود که ساکنان، شهر را بسیار شتابزده ترک کرده بودند. بسیاری از خانه ها را جمع و جور شده دیدیم که ساکنانش نتوانسته بودند حتی چمدانهای خود را همراه ببرند. عکسهای بسیاری در کف اتاقها پخش و پلا بودند. و ما شاهد چنین مناظر بسیار غم انگیزی بودیم...

در راه بازگشت نیز، متأسفانه، شاهد یک حادثه ناگوار دیگری نیز بودیم. **آندری کوزمینوف** که بتازگی برای تقویت تیم خبرنگاری ما به سوریه آمده بود، هنگام تهیه اولین گزارش جنگی خود آسیب دید. آندری، مثل یک مرد جنگی، کلاه خود و جلیقه ضد گلوله را شایسته ترسوها حساب کرد و بدون همراه به منطقه درگیری رفت. در نتیجه، هدف گلوله تک تیرانداز قرار گرفت و از ناحیه سر زخمی شد که ۱۵ بخیه برداشت...